

میرزا ابو القاسم قائم مقام که بود و عاقبتش چه شد؟

۱۲ آبان ۱۳۹۵ ساعت ۱۲:۱۸

میرزا ابو القاسم قائم مقام فرزند میرزا عیسی قائم مقام فراهانی از دیرباز در دستگاه عباس میرزا در تبریز خدمت می کرد. وی مردی ادیب و دانشمند و نویسنده و مدیر و باهوش و در امور اداری هنرمند بود و در تحکیم اساس سلطنت محمد شاه صادقانه کوشید و کفایت و لیاقت قابل توجهی از خود نشان داد و چون شاه او را بزرگ ترین عامل موفقیت خویش می دانست و مکرر حسن اعتقاد پدر خود عباس میرزا را نسبت به قائم مقام دیده و شنیده بود، او را به مقام صدارت برگزید. قائم مقام که طبعاً مردی مستبد به رأی و تا حدی خودخواه بود، به زودی زمام کلیه امور کشور را در دست گرفت

جوان و تاریخ- کشکول

میرزا ابو القاسم قائم مقام فرزند میرزا عیسی قائم مقام فراهانی از دیرباز در دستگاه عباس میرزا در تبریز خدمت می کرد. وی مردی ادیب و دانشمند و نویسنده و مدیر و باهوش و در امور اداری هنرمند بود و در تحکیم اساس سلطنت محمد شاه صادقانه کوشید و کفایت و لیاقت قابل توجهی از خود نشان داد و چون شاه او را بزرگ ترین عامل موفقیت خویش می دانست و مکرر حسن اعتقاد پدر خود عباس میرزا را نسبت به قائم مقام دیده و شنیده بود، او را به مقام صدارت برگزید. قائم مقام که طبعاً مردی مستبد به رأی و تا حدی خودخواه بود، به زودی زمام کلیه امور کشور را در دست گرفت و گذشته از آن که برای محمد شاه در انجام امور، اختیاری باقی نگذاشته بود، در امور خصوصی شاه و حرمخانه و بسیاری از خصوصیات زندگی وی نیز دخالت می کرد. قائم مقام که از لابلایگری و ضعف مزاج و سستی اراده‌ی محمد شاه به خوبی اطلاع داشت، امور لشکری و کشوری را شخصا و بدون مراجعه به شاه اداره می کرد و به واسطه‌ی سوءظنی که به غالب درباریان و اطرافیان شاه داشت، هیچ یک را در کارهای مملکت با خود شریک قرار نمی داد و از اختیاراتی که بر اثر نفوذ شخصیت خود در کشور به دست آورده بود، به نفع مملکت استفاده می کرد. ولی دشمنان و مخالفین قائم مقام بی کار ننشسته بودند؛ بعضی از رجال و اطرافیان شاه و کسانی که برای وصول به مقامات عالی‌ه‌ی کشوری و لشکری صدراعظم دانا و وطن دوست، ایران را سد راه ترقی خود می دانستند، در مزاج شاه نفوذ یافتند و اقدامات او را دلیل بی‌اعتنایی نسبت به شاه و نشانه‌ی خودسری و استبداد رأی دانستند.

دشمنان صدراعظم به محمد شاه چنین وانمود کردند که قدرت روزافزون صدراعظم موجب زوال سلطنت او خواهد شد و برای اثبات مدعای خود عملی را که صدراعظم در مورد تغییر قراولان مخصوص اندرون و حرمسرای شاه بنابر مقتضیات و مصالح وقت انجام داده بود، دلیل بر سوءنیت قائم مقام قرار دادند و حتی به شاه تلقین کردند که صدراعظم مخفیانه با ظل السلطان تماس

گرفته و توطئه‌ای برای برهم زدن اساس سلطنت شاه چیده است. محمد شاه که روز و شب با دشمنان قائم‌مقام همنشین و تحت تأثیر افکار و عقاید آنان قرار گرفته بود، به وحشت افتاد و به قتل قائم‌مقام رضا داد. روز ۲۷ ماه صفر سال ۱۲۵۱ هجری قمری صدراعظم را به باغ نگارستان که آن زمان توقفگاه موقت شاه برای عزیمت به بیلاق بود، احضار نمود. قائم‌مقام در حالی که عده‌ی زیادی از مردم و اطرافیان و منشیان وی در پی او در حرکت بودند، به باغ وارد شد. فراشان خلوت از ورود همراهانش به باغ جلوگیری کردند و او را به عمارت اندرون بردند و در انتظار ورود شاه نشاندند. لحظه‌ای بعد اسماعیل خان قراچه‌داغ رئیس فراش‌های خلوت، او را از فرمان شاه مبنی بر قتل وی آگاه ساخت و بلافاصله مأموریت خود را انجام داد. در روز قتل قائم‌مقام، به امر شاه فرزندان و بستگان و هوادارانش را نیز در تهران و شهرستان‌ها بازداشت و زندانی کردند و یا کشته و فاجعه‌ای که قبلاً در زمان فتحعلی شاه در مورد حاجی ابراهیم خان اعتماد الدوله صدراعظم آن پادشاه روی داده بود، در مورد قائم‌مقام و خاندان او تکرار شد. پس از قتل قائم‌مقام، محمد شاه، معلم دوران کودکی و مراد و مرشد خود، حاجی میرزا عباس، پسر میرزا مسلم بیات ایروانی معروف به حاجی میرزا آغاسی را به مقام صدراعظمی برگزید و او چند تن از رجال منسوب به هواداری از سیاست بریتانیا را به وزارت انتخاب کرد. از آن جمله میرزا آقا خان نوری را به وزارت لشکر و میرزا نصر الله اردبیلی را به وزارت وظایف برگزید و ضمناً با موافقت محمد شاه، میرزا حسن خان آشتیانی را با لقب مستوفی الممالک به ریاست دیوان انشاء که در حقیقت به منزله‌ی وزارت دربار بود، منصوب نمود.

دشمنان صدراعظم به محمد شاه چنین وانمود کردند که قدرت روزافزون صدراعظم موجب زوال سلطنت او خواهد شد و برای اثبات مدعای خود عملی را که صدراعظم در مورد تغییر قراولان مخصوص اندرون و حرمسرای شاه بنابر مقتضیات و مصالح وقت انجام داده بود، دلیل بر سوءنیت قائم‌مقام قرار دادند و حتی به شاه تلقین کردند که صدراعظم مخفیانه با ظل السلطان تماس گرفته و توطئه‌ای برای برهم زدن اساس سلطنت شاه چیده است. محمد شاه که روز و شب با دشمنان قائم‌مقام همنشین و تحت تأثیر افکار و عقاید آنان قرار گرفته بود، به وحشت افتاد و به قتل قائم‌مقام رضا داد. روز ۲۷ ماه صفر سال ۱۲۵۱ هجری قمری صدراعظم را به باغ نگارستان که آن زمان توقفگاه موقت شاه برای عزیمت به بیلاق بود، احضار نمود. قائم‌مقام در حالی که عده‌ی زیادی از مردم و اطرافیان و منشیان وی در پی او در حرکت بودند، به باغ وارد شد. فراشان خلوت از ورود همراهانش به باغ جلوگیری کردند و او را به عمارت اندرون بردند و در انتظار ورود شاه نشاندند. لحظه‌ای بعد اسماعیل خان قراچه‌داغ رئیس فراش‌های خلوت او را از فرمان شاه مبنی بر قتل وی آگاه ساخت و بلافاصله مأموریت خود را انجام داد. در روز قتل قائم‌مقام ۱، به امر شاه فرزندان و بستگان و هوادارانش را نیز در تهران و شهرستان‌ها بازداشت و زندانی کردند و یا کشته و فاجعه‌ای که قبلاً در زمان فتحعلی شاه در مورد حاجی ابراهیم خان اعتماد الدوله صدراعظم آن پادشاه روی داده بود، در مورد قائم‌مقام و خاندان او تکرار شد. پس از قتل قائم‌مقام، محمد شاه، معلم دوران کودکی و مراد و مرشد خود، حاجی میرزا عباس‌پسر میرزا مسلم بیات ایروانی معروف به حاجی میرزا آغاسی را به مقام صدراعظمی برگزید و او چند تن از رجال منسوب به هواداری از سیاست بریتانیا را به وزارت انتخاب کرد. از آن جمله میرزا آقا خان نوری را به وزارت لشکر و میرزا نصر الله اردبیلی را به وزارت وظایف برگزید و ضمناً با موافقت محمد شاه، میرزا حسن خان آشتیانی را با لقب مستوفی الممالک به ریاست دیوان انشاء که در حقیقت به منزله‌ی وزارت دربار بود، منصوب نمود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/19943/عاقبتش-مقام-قائم-القاسم-ابو-ميرزا>